

## نامه دولت اسلامی فصلنامه تخصصی در حوزه فرهنگ و سیاست

مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری  
سال اول، شماره سوم و چهارم، تابستان و پاییز ۱۳۸۷



**صاحب امتیاز: مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری**  
**شورای سیاستگذاری فصلنامه:** دکتر عبدالرضا شیخ الاسلامی (رئیس شورای سیاستگذاری)،  
مجتبی زارعی (دبیر شورای سیاستگذاری و رئیس مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری)،  
حجت الاسلام والمسلمین حیدر مصلحی،  
دکتر محمدعلی فتح اللهی، دکتر مظفر نامدار، محمدجعفر بهداد، وحید جلال زاده،  
محمد جعفر محمدرزاده، مرتضی قمری وفا

**مدیر مسئول:** حجت الاسلام والمسلمین حیدر مصلحی

**سر دبیر:** دکتر مظفر نامدار  
**هئیت تحریریه:** دکتر سید حسین میر جلیلی، علی حمزه پور، دکتر سید حسین حجازی،  
کاظم غریب آبادی، دکتر مجید عباسی اشلقی،  
سجاد راعی گلوچه، علی امینی

### مشاوران علمی این شماره:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر داود مهدوی زادگان، دکتر حمیدرضا حاتمی  
دکتر علیرضا صدرا، حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد رهنار، محمد مهدی شیرمحمدی،  
علی اکبر اکبری بائگی، حجت الاسلام والمسلمین ذبیح الله نعیمیان  
**گروه تدوین ضمایم تخصصی فصلنامه (گزارش جمهور):**  
علی شریفی گچسارانی، روح الله سلگی، سید جلال هاشمی، سید مهدی بزرگی،  
حمید موسی زاده، یعقوب ملکی، بهنام صدری، عباس مجردیان، زهرا محمدیان  
**گروه ترجمه:** عیسی عبدی، محمد جواد گودینی، شعله مدحتی

**مدیر اجرایی:** مهرداد توکلی

**ویراستار:** جلیل قاسمی، بهزاد ایمانی

**پیگیری:** عزیزالله ملک صیدآبادی، بهنام قربان شیرودی

**حروف چینی:** واحد حروف نگاری مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری

**مدیر هنری:** سید علی موسوی

فصلنامه تخصصی نامه دولت اسلامی از تسلی اندیشه‌ها، محققان و صاحبان اندیشه برای ارائه مقالات تألیفی، تحقیقی و ترجمه‌ای و نیز نقد و بررسی موضوعات در حوزه  
دولت اسلامی دعوت به همکاری می‌نماید. لطفاً مقالات و نظرات خود را مطابق با فرمبند زیر به نشانی فصلنامه ارسال فرمایید.  
مقالات مبتنی بر قواعد و موازین علمی و پژوهشی باشد. **قرائت و پاسخ** به صورت کامل در آخر مقاله درج شده باشد. **حقوق** قلمرو دولت اسلامی در ویرایش و اصلاح مطالب آزاد  
سهمیه من میسرود. **منتظر** مقالات خرد است. **انتشار** مقالات خارج از سرای در فصلنامه از آنجا به معنای هم‌رای بودن با نویسنده گان خواهد بود.  
است. **فصلنامه‌های** از سالی باز گردنده نخواهد شد.

## **Contraction and expansion of the public and private sectors 'activity in Islamic economy**

**Dr.Seyyed Hossein Mirjalili**

Dean of the Faculty of economy

IHCS

Change in the sectors domain constitutes one of the issues of Islamic economy that is conceived through experiment or experience .Considering the social justice *ghest* as the philosophy of Islamic economy and also with respect to the policies postulated by article 44 of the Constitution ,it is thought that the domain of the sectors in terms of temporal context including the conditions for developing ,can undergo contraction and expansion .This paper first elucidates briefly the dimensions of private sector agency in Islamic economy( production ,exchange and distribution)and considers the restrictions of that sector( legal ,ethic and governmental),then in continuation ,it deliberates on the domain of the state's activity. It is then concluded that dimensions of the public and private sectors 'agency vary according to the expansion or contraction of needs.

**Keywords :**Islamic economy/contraction and expansion/private sector/state



## قبض و بسط قلمرو فعالیت بخشهای دولتی و خصوصی در اقتصاد اسلامی

دکتر سید حسین میرجلیلی

رئیس پژوهشکده اقتصاد - پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### چکیده

تغییر قلمرو بخشها از موضوعات اقتصاد اسلامی است که بر اثر تجربه و آزمون به دست می‌آید. با توجه به مقوله تأمین عدالت اجتماعی و قسط به عنوان فلسفه اقتصاد اسلامی و نیز سیاستهای اصل ۴۴ قانون اساسی، قلمرو بخشها با توجه به مقتضیات زمان (از جمله شرایط توسعه یافتگی) دستخوش تغییر و تحول (قبض و بسط) می‌شود.

در این نوشتار ضمن اشاره به ابعاد فعالیت بخش خصوصی در اقتصاد اسلامی (تولید، مبادله و توزیع) و تحدیدات این بخش (حقوقی، اخلاقی و حکومتی)، قلمرو فعالیت‌های اقتصادی دولت مورد بررسی و مذاقه قرار گرفته، این نتیجه به دست می‌آید که با توجه به قبض و بسط ضرورتها، ابعاد فعالیت‌های بخشهای خصوصی و دولتی نیز در طول زمان دچار تغییر و تحول می‌شود.

**واژگان کلیدی:** اقتصاد اسلامی، قبض و بسط، بخش خصوصی، دولت.

### مقدمه

موضوع تغییر قلمرو بخشها مربوط به فلسفه اقتصاد اسلامی نیست، بلکه از موضوعات اقتصاد اسلامی است که با تجربه به دست می‌آید. فلسفه اقتصاد اسلامی در واقع یک سری اصول موضوعه و مبانی تحلیلی در اقتصاد اسلامی است، در حالی که اقتصاد اسلامی عرصه عمل و آزمون است. فلسفه اقتصاد اسلامی، پیکر شناسی اقتصاد اسلام است و اقتصاد اسلامی، موضوع شناسی و جایگاه امور کارشناسی است. هدف فلسفه اقتصاد اسلامی، تأمین قسط و عدالت اجتماعی است. سیاستهای اصل ۴۴ قانون اساسی که قلمرو بخشها را تغییر می‌دهد، از موضوعات اقتصاد اسلامی به حساب می‌آید و در صورتی که به خوبی اجرا شود، می‌تواند زمینه‌های تحقق عدالت را فراهم سازد. بدین ترتیب، مشخص می‌شود که جایگاه بحث قلمرو بخشهای دولتی و خصوصی، در ادبیات اقتصاد اسلامی، در زمره موضوعات این علم قرار می‌گیرد که با توجه به مقتضیات زمان (از جمله شرایط توسعه یافتگی) دستخوش تغییر (قبض و بسط) می‌شود.

### ابعاد فعالیت بخش خصوصی در اقتصاد اسلامی

ابعاد فعالیت بخش خصوصی در حوزه‌های مصرف، تولید، مبادله و توزیع می‌باشد.

■ **در حوزه مصرف:** اصل موضوع اباحه مصرف وجود دارد. قانون اشباع نیاز مندیها<sup>۱</sup> و عدم اشباع خواسته‌ها<sup>۲</sup>

- 1.NEEDS
- 2.WANTS

و امیال<sup>۳</sup> دلالت بر حلیت برآوردن نیازهای معدود و به رسمیت شناختن خواسته‌های معقول و مشروع است.<sup>۴</sup> رزق طیب و حلال در قلمرو اباحه مصرف می‌باشد و اسراف<sup>۵</sup> و تبذیر<sup>۶</sup>، خروج از قلمرو اباحه مصرف و ورود در محدوده حرمت و منع الهی است.

■ **در حوزه تولید:** تلاش معاش در چارچوبی از مکاسب حلال و مباح قرار می‌گیرد. ممنوعیت تولید کالاهای غیر مجاز<sup>۷</sup> منابع را برای افزایش تولید کالاهای مورد نیاز جامعه آزاد می‌نماید. سرمایه نیز باید از طریق مشروع به دست آید و به طریق مشروع و صحیح به کار گرفته شود. وفای به عقود<sup>۸</sup>، از قواعد الزامی در روابط تولید است. تبدیل و تغییر جواز و لزوم عقود باعث می‌شود تا مقصود شارع از وضع عقود هدف آن حاصل نشود. زمین نیز باید در مالکیت فرد باشد و غصبی نباشد. مدیریت تولید نیز علاوه بر فنون مربوط به اداره بنگاه تولیدی نوعی تعاون و آبادانی زمین و رفع نیاز جامعه مد نظر است. در بحث درآمد عامل تولید به همان میزان که از حداقل دستمزد حمایت می‌شود، از حداقل بازگشت سرمایه نیز دفاع می‌شود، ولی در دوران امر بین رشد تولید و استثمار کارگر از حق نیروی کار دفاع می‌شود، زیرا تولید وسیله است و هدف اسلام انسان سازی است. فعالیت تولیدی بخش خصوصی براساس قانون اساسی آن قسمت از فعالیت‌های اقتصادی غیر دولتی است که با سرمایه، زمین و نیروی کار اشخاص انجام می‌گیرد. فعالیت اقتصادی در

### 3.DESIRES

۴. قل من حرم زینه الله التي اخرج لعباده والطيبات من الرزق (اعراف: آیه ۳۲).

۵. کلوا واشربوا ولا تسرفوا ان الله لا يحب المرففين (اعراف: ۳۱).

۶. ... ان المبذرين كانوا اخوان الشياطين (اسراء: ۲۷).

۷. در کتب فقهی به مکاسب مجرمه تعبیر شده است.

۸. یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود (مائده: ۱)

حوزه تولید در بخشهای صنعت، کشاورزی و خدمات که قانون اساسی آنها را در اختیار دولت قرار نداده، صورت می‌گیرد.

■ **حوزه مبادله:** توصیه‌های پیامبر (ص) درباره محل سوق مسلمین<sup>۹</sup>، بنا کردن مکانهای جدید برای خرید و فروش (بازرگانی داخلی) به گونه‌ای که سوق و مصلی در یک محل قرار گیرد<sup>۱۰</sup>، اعطای جواز کار و توصیه به فراگیری حقوق تجارت<sup>۱۱</sup>، جلوگیری از مشاغل کاذب توسط علی (ع)<sup>۱۲</sup> و جلوگیری از ایجاد بازار سیاه<sup>۱۳</sup> و افزایش ناسالم قیمتها<sup>۱۴</sup>، بیانگر اهمیت و اهتمام به فعالیتهای حوزه مبادله است. تجارت عن تراض<sup>۱۵</sup>، در میان مسلمانان و «نفی سبیل»<sup>۱۶</sup> در تجارت با بیگانگان مدنظر قرار می‌گیرد. تجارت به معنای اخص ادامه مسیر تولید و مکمل آن است. در روایات تولیدکنندگان تشویق شده‌اند تا خود به تجارت اقدام کنند. واسطه‌گری (دلالی)

ناسالم غیر از فعالیتهای سالم حوزه مبادله داخلی و خارجی ۹. شرکت: لایحه حدود و شیوه فعالیت تولیدی بخش خصوصی (۶۴-۱۳۶۳) تجدید نظر شده، ص ۳.  
سایر عوامل تولید در صنعت عبارتند از: نیروی انسانی، ابزار تولید، زمین و تأسیسات ساختمانی و سایر عوامل تولید در زراعت نیز عبارتند از: زمین، نیروی کار و ابزار کاشت.  
چنانچه مالک بذر در به‌کارگیری سایر عوامل تولید از شیوه اجاره استفاده کند، تمام محصول از آن وی خواهد بود و هر یک از عوامل زمین و وسیله کشت و نیروی کار تنها استحقاق دستمزد را دارد.

۱۰. جعفر مرتضی‌العاملی «السوق فی ظل الدولة الاسلامیه»  
۱۱. یا معشر التجار الفقه ثم المتجر (کلینی، کافی، ج ۵، ص ۱۵).  
۱۲. وفاء الوفاء، ج ۲، ص ۷۴۷.  
۱۳. اشاره به روایت منسوب به امام صادق (ع) و کم شدن ارزاق عمومی و دستور به عرضه ذخیره ارزاق در بازار برای شکستن بازار سیاه و کاهش قیمتها.  
۱۴. البیع باسعار لاتجحف بالفریقین من البائع و التباع: (نهج البلاغه، شرح عبده، ج ۳، ص ۱۱۱ - ۱۱۰)  
۱۵. یا ایها الذین آمنوا لاتاکلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تکون تجاره عن تراض منکم (نساء: ۲۹)  
۱۶. ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا (نساء: ۱۴۱)

است که در حقوق تجارت به عنوان واسطه‌گری مفید ذکر شده است. در قانون اساسی اجازه فعالیت در تجارت به بخش خصوصی داده شده است<sup>۱۷</sup>.

امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله کنترل تجارت خارجی را در صورت خوف بر سوق مسلمین و حیات اقتصادی مسلمانان، لازم می‌شمارند. استفاده از بخش خصوصی در تجارت باعث تقسیم کار و تخصص و افزایش کارایی حوزه مبادله می‌شود. بی‌شک، سازمانها و مؤسساتی که دولت برای ارائه خدمات جهت اعمال انحصار در بازرگانی خارجی نیاز دارد<sup>۱۸</sup>، با واگذاری نقش بیشتر به بخش خصوصی و تعاونی کاهش می‌یابد.

■ **حوزه توزیع:** اقتصاد اسلامی برنامه انسان‌سازی از طریق امور مادی است. شارع می‌خواهد انسانها با کار و تلاش، مال مشروع به دست آورند و سپس آن را در راه خدا انفاق کنند. در فرهنگ اسلامی از آنجا که نیاز سایرین همانند نیاز خویش است، لذا اقدام به توزیع مجدد کالا برای دستیابی به حداقل مصرف افراد، توزیع مجدد درآمد و ثروت، و طیفه آحاد جامعه است. اقشار آسیب‌پذیر نیز

۱۷. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل چهل و چهارم.  
۱۸. ک: گزارش توضیحی «لایحه دولتی کردن بازرگانی خارجی ایران» از انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، اردیبهشت ماه ۱۳۶۰ ص ۱۲۷. ایجاد تشکیلات ضروری برای دولتی شدن بازرگانی خارجی چنین ذکر شده است: ۱. مراکز خرید در خارج از کشور؛ ۲. مراکز صدور؛ ۳. شرکت‌های خدمات بازرگانی؛ ۴. دفترهای نمایندگی خارج از کشور؛ ۵. دفتر کنترل قیمت خریدهای خارجی؛ ۶. مؤسسه خدمات مالی و حسابرسی؛ ۷. مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی؛ ۸. مراکز تهیه و توزیع؛ ۹. ارتباط و هماهنگی نحوه عملکرد سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولید کنندگان و چند مؤسسه دیگر با وزارت بازرگانی.  
بدیهی است در این صورت بوروکراسی و فساد اداری در خریدهای خارجی عامل کارایی کمتر و هزینه بالا در عملیات بازرگانی خارجی توسط دولت است و با مشارکت بخشهای غیر دولتی (خصوصی) کاسته خواهد شد.

تحت پوشش نظام حمایتی اسلامی از مالیاتهای اسلامی استفاده می‌نمایند اتفاق، صدقه، همنشینی با فقرا، هبه، ولیمه، نذر، کفاره، نفقه افراد واجب‌النفقه، وقف، حبس، عمری، سکنی و صلّه رحم، از روشهای توزیع مجدد درآمد و ثروت در اقتصاد اسلامی است.

عدم هماهنگی و عملکرد نادرست هر یک از حوزه‌های فعالیت بخش خصوصی، باعث نامتعادل شدن اقتصاد و افراط یا تفریط در حوزه‌های رشد است که یکی از نتایج نامطلوب آن گسترش فاصله درآمدی اقشار مرفه (غنی) و نیازمند (فقیر) در جامعه می‌باشد. به عبارت دیگر، رفتار بهینه در فعالیتهای بخش خصوصی آن است که اگر یک حوزه گسترش بیشتری یافت، وضعیت سایر حوزه‌ها بدتر نشود و لاقط در همان حالت باقی بماند. عدم شناخت قوانین هر یک از حوزه‌ها باعث می‌شود تا عملکرد مطلوبی نداشته باشیم و در نتیجه کل سیستم دچار مشکل شود. تأمین مالی سرمایه‌گذاری در حوزه تولید بدون شناخت ربا باعث افتادن در دام ربا و توسل به حیل فرار از ربا و عمل براساس مکانیسمهای ربوی می‌شود. و بر عملکرد کل سیستم تأثیر منفی می‌گذارد، زیرا میان حوزه‌ها تأثیر متقابل وجود دارد.

**تجدید فعالیت بخش خصوصی:** در ادبیات اقتصاد اسلامی آزادی فعالیت اقتصادی بخش خصوصی به طور محدود به رسمیت شناخته شده است. وجود مالکیت مختلط، تحدیدهای حقوقی، اخلاقی و حکومتی در فعالیت بخش خصوصی علاوه بر دارا بودن مزیت انگیزه فعالیت و کارایی، دارای فواید کنترل و هدایت مجموعه انگیزه‌ها و کارآییها به نفع جامعه نیز هست. تحدیدهای حقوقی، اخلاقی و حکومتی از ممیزات اقتصاد اسلامی و ضامن عملکرد سالم بخش خصوصی است.

### تحدید حقوقی

مهم‌ترین تحدید حقوقی در حوزه مصرف، ممنوعیت اسراف و تبذیر است. به عبارت دیگر، اطلاع اباحه مصرف توسط منع اسراف و تبذیر، تخصیص داده می‌شود. علاوه بر آن اصل اباحه مصرف در محدوده حلیت و طیب بودن مطرح می‌گردد. بنابراین، بر خلاف ادبیات اقتصادی معاصر که مصرف بیشتر را هدف قرار داده و بالاترین مرحله توسعه را مصرف انبوه می‌داند<sup>۱۹</sup>، در اقتصاد اسلامی منابع بالقوه کافی و بالفعل محدود، چنان تخصیص داده می‌شود که نیازها و خواسته‌های معقول برآورده شود.

در حوزه تولید تحدید حقوقی از دو جهت است؛ از یک طرف عوامل تولید محدودیتهایی دارد و از سوی دیگر ررابطه نرئیدی. همچنین محدودیت «مجاز بودن» وجود دارد.

در بحث عوامل تولید، به کارگیری نیروی کار باید به گونه‌ای صورت گیرد که ارزش انسانی خدشه‌دار نشود و در عین حال رابطه اجرت‌گیری که در فقه مورد بحث قرار گرفته، بر اساس عقود شرعی رعایت شود. نظام مزدگیری چه به صورت «وقت مزدی» چه به گونه «کارمزدی» یا اسلوبی آمیخته از این دو علاوه بر آنکه رعایت عموماً فقه لازم است، التزام به خصوصیات مزدگیری مانند: معلوم بودن مدت یا کار و مشخص بودن اجرت، ممنوع بودن شرکت ابدان (مزد جمعی) و محدودیتهای شغلی و مقررات مربوط به رابطه کارگر و کارفرما و مسائل کار لازم است.

سرمایه باید از طریق مشروع به دست آید؛ حقوق شرعی را بپردازد و در راه تولیدات سالم از طریق عقود شرعی در حوزه تولید و مبادله به کار گرفته شود. بنابراین، در هر مرحله ۱۹. روستر چنین اعتقادی در توضیح مراحل توسعه دارد.  
20. Feasibility constraint \$ allowability constraint

تجدید حقوقی وجود دارد. مکاسب محرمه تجدید حقوقی برای کسب درآمد است.

تجدید استفاده از طبیعت شامل احکام فقهی و مقررات حکومت اسلامی مربوط به زمین<sup>۲۱</sup>، معادن، آبهای طبیعی و انفال است. تجدید حقوقی رعایت احکام احیای موات و زمینهای مختلف، مقررات مربوط به معادن ظاهری و باطنی و حیزات مباحات عامه می‌باشد.

جنبه دیگر تجدید حقوقی مربوط به روابط تولیدی است. در روابط تولید، تجدید حقوقی همانا رعایت موازین عقود شرعی (مزارعه، مساقات، شرکت و ...) و مقررات مربوط به قانون کار، تأسیس و انحلال شرکت و سایر مقررات می‌باشد.

در حوزه مبادله برخی از مکاسب محرمه به عنوان تجدید حقوقی وجود دارد. دستورهایی که در کتاب البیع و کتاب التاجر درباره بیع، معاملات و تجارت به معنی اعم داده شده، راهنمای ما در تحدیدهای حقوقی است.

از جمله تحدیدهای حقوقی حوزه مبادله، ممنوعیت غش در معامله<sup>۲۲</sup>، تحریم ربای معاملی در مکیل و موزون<sup>۲۳</sup>، منع کم‌فروشی<sup>۲۴</sup> و احتکار و بیع مجازفهای و بیع غرری موضع خیار و پذیرش اقاله مؤمنان و نفی هر گونه اخلاقی در روند سالم ورود و خروج کالا به بازار داخلی یا به کشور و تغییر مصنوعی قیمت‌ها همگی مطرود و ممنوع است.

## تجدید اخلاقی

تجدیدهای اخلاقی ناشی از اختیار و مسئولیت پذیری انسان است. همچنین در ادبیات اقتصاد اسلامی وصول به اهداف از هر طریق ممکن و به صورت ماشینی به دور از اخلاقیات نیست، بلکه در ضمن رسیدن به اهداف اقتصادی علاوه بر انتخاب ابزارهای خاص که در انطباق با ادبیات اقتصاد اسلامی باشد، روشهای تربیتی خاص مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ به گونه‌ای که از کانال فعالیت‌های اقتصادی انسان‌سازی می‌شود. واجبات مالی عبادت شمرده شده و فعالیت‌های اقتصادی در بستری از ضوابط اخلاقی انجام می‌گیرد<sup>۲۵</sup>.

بر خلاف ادبیات اقتصادی معاصر که سعی در جدا کردن بایدها و نبایدها از تحلیل‌های اقتصادی دارد<sup>۲۶</sup> و اقتصاد «خالی از ارزشها»<sup>۲۷</sup> را مطرح می‌سازد، فلسفه اقتصاد اسلامی، مبانی اخلاق و روشهای اخلاق عملی بشری را برای فعالیت‌های اقتصادی فراهم می‌سازد و فعالیت‌های اقتصادی در مجموعه‌ای از ارزشها شکل می‌گیرد. در اسلام از آنجا که جهان دیگر نتیجه اعمال فرد در این جهان است، لذا دنیا مزرعه آخرت و طلب رحمت در هر دو جهان معنا خواهد داشت<sup>۲۸</sup> و اخلاق و امور مادی به هم پیوند داده شده‌اند<sup>۲۹</sup>. به همین دلیل اقتصاد اسلامی از کمال و شمول دو جنبه مادی و معنوی برخوردار است.

۲۵. برای اطلاع بیشتر رک: حیدر نقوی، جمع اخلاق و اقتصاد در اسلام.

۲۶. از زمان ظهور فلسفه اصالت لذت و حسی‌گرایان و بینش پوزیتیویستی، ریچارد لیبی اقتصاد را به دو بخش positive economics و normative economics تقسیم کرد.

۲۷. نخستین بار لیونل رابینز آن را پیشنهاد کرد.

۲۸. ربنا آتانا فی الدنيا حسنة و فی الآخرة حسنة (بقره: ۲۰۱)

۲۹. وابتغ فیما آتیک الله الدار الآخرة و لاتنس نصیبک من الدنيا (قصص: ۷۷)

۲۱. رک: لایحه حدود و شیوه فعالیت بخش خصوصی (۶۴-۱۳۶۳) تجدید نظر.

۲۲. صدوق «ابی جعفر» من لا یحضره الفقیه: ج ۳ در باب الاحسان و ترک الغش فی البیع، ص ۱۷۳ و امام صادق (ع): من غنایس منا.

۲۳. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۲۶، رسول اکرم (ص): شرالمکاسب کسب الربا.

۲۴. رک: (مطلقین: ۱) و (هود: ۸۵)

پیروی از آداب اسلامی و فرمانهای اخلاقی (مستحبات) باعث می‌شد تا از یک طرف فرد خود به مستحبات و سنتهای حسنه عمل کند و از طرف دیگر، در برابر گرسنگی و نیاز برادران و خواهران ایمانی خود بی‌تفاوت نباشد و انفاق را وظیفه خود بداند.<sup>۳۰</sup>

علاوه بر آن، وجود فضائل اخلاقی مانند: جود و کرم، عفو و احسان، رحمت و رقت، نعدوستی و همبستگی و زهد و همچنین رذائل اخلاقی مانند: بخل و خودخواهی و نیز آداب اسلامی که به صورت مستحبات و مکروهات در روایات و فقه ذکر شده است، همگی نوعی محدودیت اخلاقی است.

نفی تفاخر طلبی و خودنمایی<sup>۳۱</sup> و توصیه حد کفاف<sup>۳۲</sup>، ایثار<sup>۳۳</sup> و مواسات از موازین اخلاقی در اقتصاد اسلامی است. اغلب عناوین اخلاقی مکانیسمهایی در حوزه توزیع ایجاد می‌کند که ثمره آن در حوزه مصرف ظاهر می‌شود.

در حوزه تولید فعالیت نیروی کار عبادت و مانند جهاد فی سبیل الله<sup>۳۴</sup> عنوان شده است. عبادت و جهاد در راه خدا چارچوب خاصی دارد و محدودیتهایی ایجاد می‌کند. نتیجتاً هر کاری عبادت و جهاد نخواهد بود. بیکاری و تبلی نیز نکوهش شده است.<sup>۳۵</sup>

در مجموع تحدید اخلاقی دستورهایی در حوزه‌های مختلف مصرف، تولید، مبادله و توزیع را شامل می‌شود

۳۰. و فی اموالکم حق معلوم للسائل والمحروم (معارج: ۳۴ و ۳۵)  
۳۱. «تلك الدار الآخرة نجعلها للذين لا يريدون علواً في الأرض و لا فساداً» (قصص: ۸۳)

۳۲. «امام سجاد (ع) می‌فرماید: «اللهم ارزق محمداً و آل محمد و من احب محمداً و آل محمد العفاف و الكفاف» (بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۵۹)

۳۳. و یؤثرون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصة (حشر: ۹)

۳۴. الکاد علی عیاله کالمجاهد فی سبیل الله

۳۵. ان الله یبغض العبد النوام الفارغ

و از لحاظ زمان‌بندی متأخر از تحدید حقوقی است. به عبارت دیگر، پس از عمل تحدیدهای حقوقی (فقهی) نوبت به تحدیدهای اخلاقی می‌رسد تا توزیع درآمد و ثروت به صورت عادلانه صورت گیرد.

### تحدید حکومتی

علی‌رغم وسعت نطاق بسیاری از ادله شرعی در فعالیت بخش خصوصی، ضوابط و تحدیدهایی نیز وارد شده است. از یک طرف تشویق به کار و فعالیت کرده و به فعالیت‌های اقتصادی شرعی و قانونی ترغیب نموده و از طرف دیگر، کنز ثروت را وعده عذاب داده و از انباشت مال در دست تعداد معدودی نکوهش کرده است.

مالیات یکی از راههای تحدید کمی ثروت در عمل است. از آنجا که در مالیه اسلامی پرداخت مالیات در واقع پرداخت هزینه استفاده از خدمات عمومی است و نشان‌دهنده مشارکت فرد در تأمین مالی فعالیت‌های عام‌المنفعة دولت اسلامی است لذا هر چه میزان برخورداری فرد بیشتر باشد، لزوماً باید مالیات بیشتری بپردازد<sup>۳۶</sup> و نتیجتاً با تحدید حکومتی تعدیل خواهد شد. لازم است ذکر شود که تحدید حکومتی آخرین تحدید است؛ یعنی اگر تحدید حقوقی و سپس اخلاقی عمل کرد و انباشت ثروت به صورت کنز وجود داشت، یا ثروت در دست افراد خاصی چرخش داشت، وظیفه دولت اسلامی است که

۳۶. همان گونه که مشهور فقها برای ثروت مشروع حد کمی نمی‌شناسد.

۵۱. این مسئله منافاتی با احترام و مشروعیت مالکیت خصوصی ندارد.

۵۲. مالیات بر درآمد تصاعدی در توزیع عادلانه درآمد و مالیات بر ارزش افزوده (V.A.T) برای کاهش مصرف افزایش پس انداز و نتیجتاً افزایش سرمایه‌گذاری و درآمد ملی عمل می‌کند.



از انحصار جلوگیری<sup>۳۲</sup> و ثروتها را تعدیل کند که در آن صورت در عمل ثروت محدود می‌شود.

استدلال به آیه طلاق و معنای قنطار هر چند دلالت بر ثروت زیاد دارد، ولی نمی‌تواند بر عدم محدودیت جمع و انباشت ثروت دلالت کند. اعتقاد به چنین دیدگاهی باعث شده است تا حکام به ظاهر اسلامی در صدر اسلام بتوانند ثروتهای بسیاری انباشته سازند یا ثروتمندان قانون گونه به وجود آیند. اعتراض ابوذر و استدلال به آیه کنز حاکی از یک بُعدی بودن اعتقاد به عدم محدودیت کمی در جمع ثروت دارد.

علاوه بر آن اگر «قاعده لاضرر» برای جلوگیری از عملکرد نامطلوب فعالیت افراد و تحدید قاعده تسلیط است، در آن صورت انباشت ثروت بیش از حد عرفی و تداول ثروت در دست اغنیا مایه ضرر اجتماع و از دید کلان می‌شود. هنگامی که از دید حکومتی و از بُعد کلان به مسئله نگریسته می‌شود، لزوم تحدید حکومتی مطرح می‌شود.

همان‌گونه حاکم اسلامی موظف است از فعالیتهای مشروع جلوگیری نکند و افراد را به کار و تلاش سازنده تشویق کند، به همان اندازه در مقابل توزیع عادلانه ثروت و درآمد در جامعه مسئولیت دارد. در اقتصاد اسلامی به همان اندازه که فرهنگ فقر ستیزی وجود دارد، از اسراف نیز نهی شده است.

نگاهی به سیره عملی علی (ع) نشان می‌دهد که آن حضرت هنگامی که به عنوان عضوی از جامعه اسلامی به فعالیت اقتصاد مشغول است، به ایجاد نخلستان و کار و فعالیت شدید همت می‌گمارد و سپس آن را در راه خدا انفاق می‌کند و هنگامی که در موضع حاکم اسلامی<sup>۳۲</sup> یکی از اصول موضوعه در فلسفه اقتصاد اسلامی «تقی انحصار» بود.

زام را به دست می‌گیرد، با دیدگاه حکومتی برای تأمین مالی هزینه‌های حکومت مالیات بر اسبان وضع می‌کند و اقداماتی در تعدیل ثروت و درآمد افراد انجام می‌دهد. این تحدیدها باعث می‌شود توازن اقتصادی به تدریج به دست آید.

### قلمرو فعالیت دولت در اقتصاد اسلامی

آن‌گونه که از آیات قران کریم بر می‌آید، به طور کلی دولت اسلامی وظیفه اقامه و اجرای واجبات و دستورهایی الهی (اقاموا الصلوه و اتوا الزکاه) و هدایت (امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر) را بر عهده دارد (حج: ۴۰ و ۴۱)، در یک جمع بندی کلی دولت اسلامی به عنوان محور و انسجام بخش و عامل سازماندهی (مکان النظام من الخزر)، فکن قطباً (نهج البلاغه، ص ۴۴۲) نظاماً للامه (نهج البلاغه، ص ۱۱۹۷) به شماره می‌آید و حفاظت و پاسداری از حدود قوانین الهی و حقوق انسانی (وزعه الله فی ارضه) (نهج البلاغه، ص ۱۳۴۳) را متکفل می‌شود. وظایف و اهداف این دولت عبارت است از:

۱. خیرخواهی (النصیحه) و بهسازی و معنوی (استصلاح اهلها و عماره بلادها) (نهج البلاغه، ص ۹۹۱) به عنوان وظیفه محوری؛
۲. آموزش (التعلیم). (نهج البلاغه، ص ۱۱۴)؛
۳. تربیت (التأدیبه). (نهج البلاغه، ص ۱۱۴)؛
۴. اطلاع رسانی مستمر (لاحتجج دونکم سراً الا فی حرب) (نهج البلاغه، ص ۹۸۲)؛
۵. برپاداری عدالت اجتماعی (تبعیض زدایی در عین تمایز جایگاههای دوست و دشمن) و ایفای حقوق؛
۶. حفظ امنیت و آرامش (فیامن المظلومون و تأمن به السبل). ضمن بازدارندگی و مبارزه با دشمن و تنفیذ و

اقامه حدود (نهج البلاغه، ص ۴۰۷)؛

۷. سازماندهی امور مالیاتی از جمع‌آوری تا توزیع (نهج البلاغه، ص ۱۱۴)؛

۸. پیشوایی (امامه المسلمین)؛

۹. تکفل امور بی‌متکفل و سازماندهی عمومی جامعه در داخل و در روابط خارجی (بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۴۱).  
در کنار تقسیم بندی وظایف دولت به صورت یاد شده، نظر شهید سید محمد باقر صدر در زمینه مسئولیت دولت در اقتصاد اسلامی مفید است. از دیدگاه ایشان دولت اسلامی دو وظیفه عمده در حوزه اقتصاد بر عهده دارد. این دو مسئولیت عبارتند از «تأمین» (تأمین کامل معیشت افراد جامعه اسلامی) و توازن اجتماعی «مسئولیت اول دولت معمولاً» در دو مرحله انجام می‌گیرد:

۱. زمینه سازی و فراهم کردن ابزارها و فرصتهای مشارکت در فعالیت مفید اقتصادی به گونه‌ای که افراد بر اساس فعالیت و کوشش خود زندگی خود را اداره کنند؛  
۲. در صورت عجز فرد یا وجود شرایط استثنایی و عدم امکان زمینه سازی مناسب توسط دولت، تهیه امکانات کافی برای رفع نیازها و فراهم کردن سطح خاصی از معیشت برای فرد.

به هر صورت از دیدگاه شهید صدر هدف نهایی در فعالیتهای دولت، اعتلای هر فرد در جامعه اسلامی است. شهید صدر ابزارهای چنین کاری را سه چیز معرفی می‌کند: ۱. مقرر کردن مالیاتهای ثابت و مستمر و توزیع آن برای ایجاد توازن همگانی؛

۲. ایجاد اماکن با مالکیت دولتی (بخش عمومی) و استفاده از آنها برای ایجاد توازن؛

۳. ماهیت تشریح و قانونگذاری اسلامی در سازماندهی اقتصادی مراحل مختلف و حمایت از توازن.

وظایف و ابعاد فعالیت اقتصادی دولت در اقتصاد اسلامی از دیدگاه برخی صاحب نظران به ترتیب ذیل است:  
۱. رفع فقر و ایجاد شرایط اشتغال کامل و نرخ بالای رشد؛

۲. ایجاد ثبات در ارزش واقعی پول؛

۳. حفظ نظم و قانون؛

۴. تضمین عدالت اجتماعی؛

۵. ایجاد امنیت اجتماعی در توزیع عادلانه درآمد و ثروت؛

۶. هماهنگ ساختن روابط بین المللی و تضمین دفاع ملی.

عده‌ای دیگر نیز معتقدند که وظیفه دولت اسلامی عبارت است از<sup>۳۸</sup>:

۱. جمع‌آوری زکات، خمس و غنایم و اداره امور انفال و تشکیل بیت المال؛

۲. ضمان و تأمین اجتماعی؛

۳. دخالت در حق مالکیت و حق کار و عمل و معاملات و عقود و تصرف در آنها؛

۴. خدمات عام المنفعه و امور زیربنایی؛

۵. قیمت گذاری و تعیین نرخ؛

۶. مدیریت عامه.

بدین ترتیب حوزه فعالیت دولت آن قدر گسترده است که امور پولی، مالی، توزیع درآمد، امور دفاعی و ... بسیاری از امور حتی قیمت گذاری و دخالت در عقود و مالکیت را شامل می‌شود.

وظایف سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و سایر امور غیر اقتصادی که بر عهده دولت گذاشته شده، باعث شده است تا سیستم مالی اسلامی به گونه‌ای مدون از بدو تشکیل

38. ibid another essay

نخستین حکومت اسلامی در مدینه شکل گیرد. وجود منابع مالی تأمین دولت اسلامی حاکم از وظایف گسترده در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی و اخلاقی است. دولت اسلامی موظف به تأمین اجتماعی، دفاع از مظلوم و رد ظالم (شامل ظلم مالی)، ارائه خدمات عام المنفعه، مدیریت عمومی، دخالت در فعالیتهای اقتصادی ناسالم، حفظ قدرت خرید مردم، حفظ نظم و امنیت اقتصادی و بسیاری دیگر از امور غیراقتصادی شده است که نیازمند تأمین مالی و در مواردی مبادرت مستقیم به انجام فعالیتهای اقتصادی است. به عبارت دیگر، از لوازم انجام آن سری فعالیتها و وظایف غیر اقتصادی تمسک به فعالیتهای اقتصادی است و در مواردی ضرورتها و احکام ثانویه باعث دخالت گسترده دولت در فعالیتهای اقتصادی می‌شود.

### نظریه تغییر قلمرو بخشها در عمل

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قلمرو فعالیت بخشهای دولتی، تعاونی و خصوصی چنین مشخص شده است. (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل چهل و چهارم)

بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیتهای اقتصادی بخش دولتی و تعاونی است.

بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون ... و تلگراف و تلفن و هواپیمایی کشتیرانی، راه و راه آهن و مانند اینهاست که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است.

بخش تعاونی نیز شامل شرکتها و مؤسسات تعاونی.

تولید و توزیع است که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود.

در قانون اساسی در تعیین قلمرو و بخشهای دولتی و غیر دولتی دو مسئله مد نظر قرار گرفته است:  
اول: آنکه گستره فعالیتهای دولتی چنان باشد که دولت کارفرما بزرگ نشود.

دوم: اگر فعالیتی در اختیار بخش خصوصی قرار گیرد، ثروتهای انباشته و ثروتمندان بزرگ مانند نظام سرمایه‌داری تشکیل نشود و به عبارت دیگر، ثروت تنها در دست اغنیا نچرخد.

آنچه می‌توان در ارتباط با قلمروهای مشخص شده در قانون اساسی گفت این است که اگر در مرحله عمل در یکی از موارد فعالیت ذکر شده، دولت کارفرمای بزرگ شده یا بخش خصوصی توانست فعالیت خاصی را به صورت کار اثر و در چارچوب مقررات جمهوری اسلامی انجام دهد، آیا بقای آن در قلمرو بخش دولتی همچنان مجاز شمرده خواهد شد؟ اگر امکان واگذاری بخشی از فعالیتهای دولتی به بخش خصوصی وجود داشته باشد، به گونه‌ای که با استفاده از بازارهای پیشرفته سرمایه و ایجاد کارآیی بیشتر، ثروتهای انباشته و ثروتمندان بزرگ به وجود نیابند. درنگ در گسترش قلمرو بخش خصوصی وجود خواهد داشت؟ یا در صورتی که ثروت انباشته‌ای توسط بخش خصوصی از طریق روابط نادرست سیاسی و اقتصادی ایجاد شود، باید رسیدگی شود.

بنابراین با برخورد دینامیک با اقتصاد، قلمرو بخشها تغییر خواهد کرد علت اساسی نیز همانست که براساس مقتضیات زمان متوجه به واقعیات و به حکم ضرورت و برای انجام وظایف غیر اقتصادی (سیاسی - اجتماعی و اخلاقی) و در

موردی اقتصادی، دولت مجبور به دخالت می‌شود.

- توجه به قلمرو بخش خصوصی و دخالت دولت

مبادرت به فعالیت در طول زمان تغییر می‌یابد. تغییر قلمرو بخشها هنگام عمل و در تطبیق اهداف دولت اسلامی با شرایط مختلف شکل می‌گیرد و به همین دلیل حوزه فعالیت دولت اسلامی در زمانهای مختلف به سبب شرایط و ظروف متعدد متفاوت خواهد بود.

از دیدگاه نظری به هر اندازه دولت اسلامی بتواند به اهداف سیاسی، اجتماعی و اخلاقی خود نزدیک شود، ابعاد فعالیتهای اقتصادی خود را کوچک‌تر خواهد کرد و بالتبع ابعاد فعالیت بخش خصوصی گسترده‌تر خواهد شد، زیرا هدف اصل از تشکیل دولت اسلامی اقامه قسط است و به واسطه بروز محذور در اجرای احکام و ماهیت عدالت محور این اسلام و شرایط مختلف اقتصادی برای حمایت از حداقل شرایط ضروری اقتصادی، دولت مجبور به گسترش فعالیت خود می‌شود.

در برخورد دینامیک با اقتصاد، واقع نگری نیز عامل پذیرش تئوری تغییر قلمرو است. نوسانات کسب و کار نیازمند دخالت دولت در هنگام رکود و گسترش قلمرو بخش دولتی برای ایجاد اشتغال و تأمین اجتماعی، ارائه امکانات سرمایه‌گذاری و سایر فعالیتهای اقتصادی است، زیرا بدون حضور و دخالت دولت، صدمات زیادی به عموم وارد می‌آید. برعکس در شرایط رونق، قبض قلمرو بخش دولتی و بسط فعالیتهای خصوصی موجه می‌نماید. شرایط بحرانی مانند: خشکسالی و قحطی، حوادث طبیعی و خصوصاً وقوع جنگ عامل گسترش شدید فعالیتهای اقتصادی دولت برای اداره امور جامعه و حفظ نظام اجتماعی است. با رفع بحران و ظهور ناکارایی دولت و عوارض ناشی از دخالت بیش از حد دولت در امور، انتظار دولت از خود کاهش یافته و نقش بیشتری به بخش خصوصی داده می‌شود.

همچنین در کشورهای در حال توسعه مسلمان، دخالت

و تصدی بسیاری از فعالیتهای اقتصادی توسط دولت امری ضروری است، زیرا اقدام به سرمایه‌گذاری و دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی، نیازمند تخصیص بهینه منابع سازماندهی و مدیریت کارا در بنگاههای اقتصادی است و منابع سرمایه‌گذاریهای عظیم تنها توسط دولت قابل تأمین است. بدون دخالت و حتی تصدی دولت در برخی امور اقتصادی، در واقع باقی ماندن در دور بسته فقر و عقب ماندگی است. اقدام دولت در برنامه‌ریزی فعالیتهای اقتصادی در قالب برنامه‌های توسعه و اجرای بودجه‌های سالیانه «خصوصاً» بودجه عمرانی باعث ارائه خدمات عام المنفعه و ایجاد زیربنای لازم برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی است. طبیعی است به هر میزان به معیارهای توسعه یافتگی و تعالی معنوی دست پیدا کنیم، انتظار دولت اسلامی از قلمرو فعالیتهای خود کاهش یافته و به امور دیگر خواهد پرداخت. به عبارت دیگر، نقش اقتصادی دولت کاهش می‌یابد.<sup>۳۹</sup>

بدیهی است آنچه تحت عنوان قبض و بسط قلمرو فعالیت اقتصادی بخشهای دولتی و خصوصی ذکر شد، در محدوده ضرورتها و مقتضیات زمان و واقعیات توسعه و شرایط متحول اقتصادی است.

۳۹. تغییر قلمرو تنها مختص اقتصاد اسلامی نیست، بلکه در اقتصاد سوسیالیسم، احزاب مختلف سوسیالیستی و کمونیستی هر کدام خط مشی خاصی دارند و با تغییر دولت قبض و بسط در قلمرو بخش دولتی و غیر دولتی ایجاد می‌شود. در اقتصاد سرمایه‌داری نیز این پدیده به وضوح قابل مشاهده است. روی کار آمدن احزاب سوسیال (کارگر) در انگلستان باعث ملی شدن صنایع فولاد و حاکمیت حزب محافظه کار باعث خصوصی شدن صنایع می‌شود. در اوضاع کنونی اقتصاد جهانی که کشورهای مبتنی بر لیبرالیزم اقتصادی و خصوصی بودن مالکیتها کارایی بیشتری از خود نشان داده‌اند، بر اقتصادهای کوچک جهان سوم تأثیر گذاشته و تبعیت از سیاستهای آزادسازی و خصوصی سازی را ضروری می‌نماید تا از قافله کارایی و رقابت جهانی عقب نیفتد. بنابراین تغییر قلمرو واقعیتی است که علاوه بر نصوص مذهبی در اسلام، واقعیتهای اقتصادی نیز بر آن دلالت دارد.